



Modern Indicators of Good Governance in International Organizations with an Emphasis on the World Trade Organization

Jalil Maleki¹, Shahriar Eslamitabar², Najibeh Mirani³, Ehsan Lame^{4*}

¹ Assistant Professor, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Houshmand University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

³ Master's Student in International Law, Tehran Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

⁴ Ph.D. Researcher in International Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Review History:

Received: Nov. 25, 2023

Revised: Jan. 21, 2024

Accepted: Feb. 17, 2024

Available Online: Mar. 19, 2024

Keywords:

International Organizations

Good Governance

Transparency

Accountability

ABSTRACT: Good governance became a priority for many international organizations at the end of the Cold War, when voices for democracy and statehood were raised and expectations for the actions of international organizations to advance this goal increased. International organizations are key players in the architecture of global governance, from international peace and security to global economic governance, humanitarian aid, and sustainable development. They use their expertise and the legitimacy they gain from their global or regional mandate to facilitate international cooperation to address collective challenges. Many multilateral agencies—from the United Nations to multilateral development banks—heard this call. For multilateral organizations, the question is: what does good governance mean for the way they are structured, make decisions, and implement them? They have been very slow to set their own standards - and there is little precedent for doing so in the international system. This article, using a documentary and library method and using international documents and articles, deals with indicators of good governance in international organizations and, by adopting the theories of philosophers, sociologists, as well as legal and political theorists, deals with eleven indicators of good governance in the World Trade Organization. Therefore, this article, while listing the elements of good governance, describes the important elements in the decision-making process of the World Trade Organization.

*Corresponding author's email: Ehsan.lame@gmail.com



شاخص‌های مدرن حکمرانی خوب در سازمان‌های بین‌المللی با تأکید بر سازمان تجارت جهانی

جلیل مالکی^۱، شهریار اسلامی تبار^۲، نجیبه میرانی^۳، احسان لامع^۴*

۱. استادیار، دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران.
۲. استادیار، دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.
۴. پژوهشگر دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴
بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱
پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸
ارائه آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

کلمات کلیدی:

سازمان‌های بین‌المللی
حکمرانی خوب
شفاف‌سازی
پاسخگویی

خلاصه: حکمرانی خوب در پایان جنگ سرد زمانی که صداها برای برقراری دموکراسی و دولت بلند شد و انتظارات در مورد اقدامات سازمان‌های بین‌المللی برای پیشبرد این هدف افزایش یافت، در دستور کار بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت. سازمان‌های بین‌المللی بازیگران اصلی در معماری حکمرانی جهانی، از صلح و امنیت بین‌المللی گرفته تا حکومت اقتصادی جهانی، کمک‌های بشردوستانه و توسعه پایدار به حساب می‌آیند و از تخصص خود و مشروعیتی که از نیابتی جهانی یا منطقه‌ای خود به دست می‌آورند برای تسهیل همکاری بین‌المللی، برای رسیدگی به چالش‌های جمعی استفاده می‌کنند. بسیاری از آژانس‌های چندجانبه - از سازمان ملل گرفته تا بانک‌های توسعه چندجانبه - این صدا را شنیده‌اند. برای سازمان‌های چندجانبه این سؤال مطرح است که حکمرانی خوب برای شیوه‌ای که خودشان ساختار یافته‌اند و در آن تصمیم‌گیری و اجرا می‌کنند چه معنایی دارد؟ آن‌ها در تعیین استاندارد خود بسیار کند عمل کرده‌اند - و در سیستم بین‌المللی سابقه‌چندانی برای انجام این کار وجود ندارد. مقاله حاضر با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از اسناد و مقالات بین‌المللی به شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد و با اقتباس از نظریه‌های فیلسوفان، جامعه‌شناسان و همچنین نظریه پردازان حقوقی و سیاسی به شاخص‌های نوین حکمرانی خوب در سازمان تجارت جهانی می‌پردازد. از همین رو، در این مقاله ضمن برشمردن عناصر حکمرانی خوب به تشریح عناصر مهم در فرایند تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی پرداخته می‌شود.

۱- مقدمه

از دیدگاه نهادگرایان با افزایش نقش نهادهای بین‌المللی، شاهد گسترش همکاری‌های بین‌المللی در جهت منسجم ساختن بیشتر جامعه‌ی بین‌المللی هستیم. برخی از تحلیل‌گران این دیدگاه ادعا می‌کنند که جنگ را می‌توان از میان برداشت و فرهنگ صلح را جایگزین آن کرد. اندیشه‌های کسانی مانند ویلسون و آنجل بر پایه‌ی دیدگاه لیبرال‌ها در مورد موجودات انسانی و جامعه‌ی انسانی است، این که انسان‌ها موجودات عقلانی هستند و با عقلانیت به این مهم می‌رسند که با ایجاد مجموعه‌ای از سازمان‌ها، همه می‌توانند از فرهنگ غنی صلح و آرامش و امنیت حاصل از آن در روابط بین‌الملل بهره‌مند شوند. همه‌ی این مسائل پایه‌ی تاسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله جامعه‌ی ملل شد (ساعد، ۱۳۸۹، ص ۱۶).

سازمان‌های بین‌المللی گاهی با مشکلات حاد سازمانی دست و پنجه نرم می‌کنند. سه روش برای پرداختن به این مشکلات در نظر گرفته شده است: انگیزه‌های اقتصادی، پاسخگویی سیاسی و پاسخگویی قانونی. برای

بعضی از نویسندگان سازمان‌های بین‌المللی را نهادهای بین‌المللی نامیده‌اند و ارکان مختلف یک سازمان مانند مجمع، شورا و دبیرخانه را نهاد می‌خوانند (Rapkin, 2016, p77). این نهادها چارچوب نهاده شده، استمرار ثبات و انسجام را به روابط بین‌المللی می‌افزاید که در صورت نبودن سازمان می‌تواند پراکنده، زودگذر و بی‌ثبات باشد (Duverrger, 1972, p68). این نهادها همچنین حلقه ارتباطی مردم هستند که در جلوه سازمان‌هایی شبیه اتحادیه مادران، کلیسای کاتولیک رومی، و یا اتحادیه‌های کارگری تبلور می‌یابند، اما ممکن است شکل ساختاری کمتر رسمی به خود بگیرند. در سطح بین‌المللی روابط نزدیک، با ثبات و مستمر را موجب می‌شوند و به سخن دیگر امکان دارد با عمل به روش‌های دیپلماتیک، رعایت اصول حقوق بین‌الملل و تجارت منظم مانند سازمان بین‌المللی کار سازمان یابند.

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: Ehsan.lame@gmail.com

اهداف مشخص و عضویت محدود هستند، از جمله بروز این مشکلات هستند (Woods, 1999, p 40).

بنابراین محتمل است که برخی از نقش‌های سازمان‌های بین‌المللی با نقش‌های دیگرشان در تنازع و یا همسان باشند که مرز تشخیص بین عملکرد آن‌ها را در روابط بین‌المللی مشکل می‌سازد. سازمان‌های بین‌المللی چنان طیف وسیعی را در بر می‌گیرند که شواهد در مورد فعالیت‌های هر سازمان مخصوصاً سازمان‌های غیردولتی به سهولت در دسترس نیست و اثر کلی وجود آن‌ها را باید از سازمان‌های شناخته شده و بزرگتر تخمین زد (Rapkin et al., 2016, p 78).

دیگر استفاده عملکردی سازمان‌های بین‌المللی ممکن است از هدف و فعالیت‌های آن‌ها در دوران حیات و از نحوه عضویت آن‌ها استنتاج شود. فرض بر این است که سازمان‌ها نقش بیشتری را باید در روابط بین‌المللی بازی کنند و وظایف سازمان‌ها اهمیت آن‌ها را نشان می‌دهد. با فقدان شرایط آزمایشگاهی در روابط بین‌المللی نمی‌توان واقعیت را از طریق کنترل مقایسه کرد، زیرا که امور بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی عیناً تکرار نمی‌شوند. در حالی که ممکن است پدیده معینی را مانند جنگ، تجارت و گردشگری، قبل از تاسیس و پس از استقرار سازمان‌های بین‌المللی تاثیرگذار بر این مسائل مشاهده نمود، اما تشخیص اینکه چه عواملی باعث چه تغییراتی شده‌اند مشکل است و البته به معنی نفی چنین مطالعاتی نیست. در اصل وقایع در یک دوره گسترده و مطالعه تعداد زیادی موارد ممکن است ارتباط جالب بین سازمان‌های بین‌المللی و رفتار معینی در روابط بین‌المللی را مشخص نماید، اما مطالعات جداگانه ممکن است روابط نظارتی را متجلی سازند. مثلاً حل‌وفصل ویژه یک منازعه ممکن است آثار و نشانه‌های میانجی‌گری سازمان ملل را نشان دهد و اغلب قرائن منفی می‌توانند مورد استفاده واقع شوند تا فرضیات کلی را به استخدام بگیرند، متوقف کنند و یا تحقیقات بیشتر را پیشنهاد نمایند.

بالاخره ارزیابی نقش و عملکرد سازمان‌ها در نظام بین‌المللی بسته به این است که این نظام با دید مثبت از آن‌ها متأثر شده باشد. همه قبول دارند که سیستم بین‌المللی کنونی هیچ قدرت کنترل‌کننده سراسری در مواردی که دولتی وجود ندارد و جامعه درحالت هرج و مرج به سر می‌برد، در اختیار ندارد. اینکه چگونه نظم فعلی باید بهبود یابد جای بحث است. هر نظر و تفسیری می‌تواند ارزیابی‌های مختلفی از نتیجه لازم و مستمر سیاست قدرت ارائه دهد. آن موقع هر سازمان بین‌المللی به نحوی زمینه محدودی خواهد داشت و تنها قادر خواهد بود نتایج ناخواسته روابط بین‌المللی را به نحوی در

سازمان‌های بین‌المللی، اولی نامطلوب و دومی ناگزیر ضعیف است. بنابراین استدلالی برای تشدید نظارت قانونی در مورد اقدامات آن‌ها وجود دارد. با این حال، سازمان‌های بین‌المللی سوابق غیرقابل رشک‌جویی در اقدام بدون توجه به اساسی‌ترین استانداردهای بین‌المللی حاکمیت قانون دارند. علاوه بر این، سازوکارهای قوانین داخلی سازمان‌های بین‌المللی که ظاهراً برای پاسخگویی به خود ایجاد کرده‌اند، در بهترین حالت ناقص هستند. سازمان‌های بین‌المللی باید تحت نظام‌های نظارت قضایی بین‌المللی به‌شدت بهبود یابند، یا مصونیت‌های آن‌ها باید در برخی زمینه‌ها لغو شود تا مشمول صلاحیت دادگاه‌های داخلی کشورهایی شوند که در آن فعالیت می‌کنند. اقداماتی از این دست ممکن است به طور چشمگیری کیفیت تصمیم‌گیری و پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی را بهبود بخشد. رهیافت نظری ناظر بر روابط بین‌الملل به ما این امکان را می‌دهد تا فهم خود را از ماهیت اداره‌ی امور بین‌المللی و رفتارهای سازمان‌های بین‌المللی را اصلاح کنیم (کلی پس، ترجمه شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۰).

۲- بیان مسئله

سازمان‌های بین‌المللی عنصری تفکیک ناپذیر در تضمین اصول حکمرانی خوب و فرآیندهای دموکراتیک، تجاری، اقتصادی و سیاسی هستند. سازمان بین‌المللی نهادهای رسمی با قوانین، اهداف و سند اداری منطقی است (Duverger 1972, p 68). نهاد رسمی از عناصر مادی و فنی یعنی سند تاسیس، محل جلسات، تجهیزات فیزیکی، ماشین‌آلات، علائم، لوازم التحریر، پرسنل، سلسله مراتب اداری و مانند آن‌ها برخوردار است و به سازمان‌دهی روابط بین‌المللی چه به صورت دسته جمعی و یا به شکل ساختارهای بنیادی اجتماعی نظیر تجارت، بازرگانی، دیپلماسی کنفرانس‌ها و ... که به موجب قانون یا عرف وضع شده است، توجه می‌کند (Selznick, 2017, p 64). از این رو حکمرانی خوب در سازمان تجاری جهانی به دلیل برخی تبعیض‌ها و ضعف در پاسخگویی می‌لنگد و متأسفانه با نفوذهای سیاسی همراه است.

با این حال، اگر قرار است سازمان‌های بین‌المللی مشارکت‌کننده‌تر، پاسخگوتر و شفاف‌تر شوند، چه استانداردهایی برای آن‌ها مرتبط است؟

۳- نقش‌ها و عملکردها

شاید ماهیت مبهم نظام بین‌المللی موجب گشته است که وظیفه ارزیابی نقش و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی مشکل گردد که در نوبت خود توجه برانگیز است. از طبقه‌بندی عضویت وسیع گرفته تا نهادهایی که دارای

زمینه محدودی عرضه کند و تنها قادر خواهد بود نتایج ناخواسته روابط بین کشورهای مستقل را بهبود بخشد (Rapkin, 2016, p 80).

روابط بین‌المللی در اندرون یک نظام بین‌المللی عمل می‌کند، یعنی مجموعه‌ای از عناصر تاثیر گذار به یکدیگر، وقتی گلوله‌ای در سارایوو کمانه می‌کند می‌تواند آثار عمده‌ای برای زندگی در جنوب آفریقا، سیبری یا سیدنی داشته باشد. فعالیت‌های دیپلمات‌ها در نیویورک یا ژنو ممکن است آینده رژیم یوگسلاوی، حیات دولت سرالئون، زندگی زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی و یا استفاده از اقیانوس‌های جهانی، فضای ماورا جو یا قطب جنوب را تحت تأثیر قرار دهد. روابط در این سیستم می‌تواند در برگزیده تعداد زیادی از فعالیت‌ها نظیر سفر شخصی، تجارت، کسب و کار، دیپلماسی، مبادله اطلاعات، تبلیغات علیه تروریسم و مخاصمان تمام عیار گردد.

۴- سازمان‌های غیردولتی سیاسی

سیاست یک کشور را نمی‌توان بدون شناخت این که چه گروه‌هایی در ساختار نظامی سیاسی لابی‌گری و رایزنی می‌کنند و چه بحث‌هایی در رسانه‌ها جریان دارد، به خوبی درک کرد. به طور مشابه، دیپلماسی بین‌المللی بر روی برخی از سیاره‌های دیگر و تخیلات کار نمی‌کند که از جامعه مدنی جهانی جدا شده باشند. تحلیلگران سیاسی بریتانیا از دو اصطلاح استفاده می‌کنند: برخی گروه‌ها مانند یک شرکت یا یک اتحادیه تجاری منافع و تعصب خاص خود را ایجاد می‌کنند و به دنبال نفوذ سیاست‌های اقتصادی‌شان هستند؛ درحالی‌که یک گروه فشار به منظور ترویج ارزش‌های خود، محدوده گسترده‌تری از بازیگران را فرا می‌خواند. در ایالات متحده آمریکا اصطلاح گروه‌های لابی، گروه‌های منافع عمومی و سازمان‌های داوطلبانه خصوصی با تعاریف و تمایز ویژه‌شان و با اشاره به معیارهای قانونی وجود دارند (ویلتز، ۲۰۱۹، ص ۴۴).

۵- ساختار سازمانی سیاست جهانی

سازمان‌های بین‌المللی تمرکز بر سیاست جهانی را فراهم می‌کنند. زیرساخت‌ها فیزیکی جدید ارتباطات جهانی سبب شده که آن‌ها به کار خود ادامه دهند. علاوه بر این، هنگامی که جلسات سازمان‌ها برگزار می‌شود، آن‌ها ساختار روشنی برای ارتباطات مجازی و تلفنی به همراه داشته و گفت‌وگوهای چندجانبه نتایج مطلوبی را به ارمغان آورده است (کاستلز و همکاران، مترجم مقدری، ص ۶۷).

۶- نظام سازمان‌های بین‌المللی

با وجود نظریاتی که اصل را بر وجود دولت‌ها در نظام جهانی می‌دانند، ما می‌توانیم با پذیرش وجود نظام‌های موجود در سطوح سیاست جهانی سازگار باشیم. دولت‌ها و گروه‌هایی که جامعه مدنی را در داخل کشور تشکیل می‌دهند همراه با سازمان‌های بین‌الملل در سطح جهانی ممکن است دارای ویژگی‌های نظام‌مند خود باشند. بنابراین، همه انواع سازمان‌های بین‌المللی از مرزهای کشور فراتر می‌روند و تأثیر عمده‌ای بر بازیگران دولتی و بازیگران فراملی می‌گذارد. در بعضی موارد، مانند کشورهای مشترک المنافع و شبکه‌های بین‌المللی غیردولتی نشست‌های رو در رو میان اعضای یک سازمان شکل نمی‌گیرد و تعاملات ممکن است بسیار ضعیف باشد. به طور کلی، سازمان‌های بین‌المللی اسناد، قوانین و مقررات مشخص خاص خود را داشته و دبیرخانه‌هایشان متعهد به حفظ وضعیت و هویت سازمان هستند و تصمیم‌های گذشته‌شان به مثابه هنجارهایی است که سیاست آینده آن‌ها را رقم می‌زند و فرآیندهای ارتباط متقابل را با اعضای جدیدشان به سمت رفتار جمعی مشترک پیش می‌برد. اعلامیه‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی بر مبنای آن سیستم‌هایی را تشکیل می‌دهند، بیانیه‌ای است که از لحاظ سیاسی قابل توجه هستند و از این‌رو سیاست‌های جهانی را نمی‌توان به روابط میان دولتی کاهش داد (کاستلز و همکاران، مترجم مقدری، ۱۳۹۸، ص ۶۰).

۷- شاخص‌های حکمرانی خوب

امروزه در جامعه‌ی بزرگ جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده‌دار شده‌اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلای قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (بیگزاده، ۱۳۹۰، ص ۴).

نهاد گرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش بینانه‌ای نسبت به نقش نهادهای بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان‌های بین‌المللی و توانایی آن‌ها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

جدول ۱. عناصر حکمرانی خوب در متون مختلف سیاست‌گذاری

زاک روسو	ماکس وبر	لون فولر	مدیسون	هابرماس
نیابتی (Representative)	عقلانیت (Rationality)	روشن بودن (Clarity)	تقسیم قدرت (Power Sharing)	تامل (Deliberation)
پاسخگویی (Accountability)	اثر بخشی (Efficiency)	ثبات (Stability)	قانونی بودن (Legality)	شفافیت (Transparency)
	سودمندی (Efficiency)		انصاف (Fairness)	مشارکت و فرایند در خور (Participation and due process)
	بی‌طرفی (Neutrality)			

مطرح کرده است. او متذکر شده است که حکمرانی خوب به یک آمیزه مناسب و متعادل‌سازی این عناصر در عمل وابسته است. در این مقاله ضمن بر شمردن این عناصر در جدول زیر، صرفاً به توضیح برخی از این عناصر خواهیم پرداخت.

۸- عناصر حکمرانی خوب در سازمان تجارت جهانی

همان ابتدا خیلی شفاف صحبت کنیم که اعمال حکمرانی خوب بر سازمان تجارت جهانی مشابه مباحث مربوط به تقویت یا وسیع‌تر ساختن این سازمان نیست. پروفیسور ایستی (Esty, 2008) در مقاله‌ای بحث می‌کند که اگر سازمان تجارت جهانی قرار است که در نقش محول شده‌ی خود یعنی ترفیع آزادسازی تجاری و کمک به مدیریت همبستگی اقتصاد بین‌المللی موفق عمل کند، نیاز به تعهد عمیق‌تر به حکمرانی خوب دارد. وی چهارده عنصر حکمرانی خوب را بر می‌شمارد که هریک می‌تواند در محیط اداری سازمان تجارت جهانی ارتقاء یابد.

ساختار بهینه و اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی باید در بافت یک ارگان بین‌المللی درک شود که اختیار مستقیم را محدود کرده است: جایی که قدرت غایی تصمیم‌گیری بر عهده کشورهای عضو است. این امر سوال عمیق‌تری در مورد تصمیم‌گیرندگان در سازمان تجارت جهانی مطرح می‌کند. بسیاری دبیرخانه سازمان را تصمیم‌گیرنده دانسته‌اند (Esty, 2008, p 154). اما کار دبیرخانه سازمان پیچیده‌تر و گوناگون است. اما با حرکت ایمان به سمت نظام قانونمندی و فاصله گرفتن از مذاکرات، سازمان قدرت بیشتری می‌گیرد. بنابراین اصول حکمرانی در سازمان تجارت جهانی اساساً شکل دهنده‌ی تصمیم‌گیری تجاری است و نیاز به تثبیت با دقت زیاد دارد. با توجه به مفصل بودن چهارده عنصر برشمرده پرفیسور ایستی، صرفاً به بیان عناصر مهم حکمرانی خوب در سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان تجارت جهانی می‌پردازیم.

حکمرانی به کلیه فرآیندهای حکمرانی، نهادها، فرآیندها و شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها موضوعات مورد علاقه مشترک، تصمیم‌گیری و تنظیم می‌شوند. حکمرانی خوب یک ویژگی هنجاری یا ارزشی به فرآیند حکومت می‌افزاید. از منظر حقوق بشر، اساساً به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن نهادهای عمومی، امور عمومی را اداره می‌کنند، منابع عمومی را مدیریت می‌کنند و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌کنند (Rapkin et al., 2016, p 78).

در حالی که هیچ تعریف مورد توافق بین‌المللی از «حکمرانی خوب» وجود ندارد، اما ممکن است موضوعات زیر را شامل شود: احترام کامل به حقوق بشر، حاکمیت قانون، مشارکت مؤثر، مشارکت‌های چند بازیگر، کثرت‌گرایی سیاسی، فرآیندها و نهادهای شفاف و پاسخگو، بخش دولتی کارآمد و مؤثر، مشروعیت، دسترسی به دانش، اطلاعات و آموزش، توانمندسازی سیاسی مردم، برابری، پایداری، و نگرش‌ها و ارزش‌هایی که مسئولیت، همبستگی و مدارا را تقویت می‌کنند.

حکمرانی خوب به فرآیندها و نتایج سیاسی و نهادی مربوط می‌شود که برای دستیابی به اهداف توسعه ضروری است. آزمون واقعی حکمرانی «خوب» میزان تحقق وعده حقوق بشر است: حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. سوال مهم این است: آیا نهادهای حاکمیتی حق برخورداری از سلامت، مسکن کافی، غذای کافی، آموزش با کیفیت، عدالت و امنیت شخصی را به طور مؤثر تضمین می‌کنند؟

بنیان قانونمندی (مشروعیت) با جنبه‌های مختلفی از حکمرانی خوب همخوانی دارد. دنیل سی ایستی^۱ (۲۰۰۸) این بنیان‌ها را پس از مرور دقیق متون مختلف سیاست‌گذاری و مباحث مهم مربوط به سیاست‌گذاری جمعی به صورت فهرستی منظم (جدول شماره ۱) با عنوان عناصر حکمرانی خوب

1. Daniel C. Esty

الف: مشارکت

مشارکت^۱ بیشتر به دلیل جذابیت این انگاره در عصر دموکراتیک شدن، به یک موضوع اصلی تبدیل شده است. برای تأکید بیشتر بر مشارکت دلایل عملی متقنی وجود دارد. به عنوان مثال، بانک جهانی به این نتیجه رسیده است که پروژه‌ها زمانی موفق عمل می‌کنند که آن‌هایی که در طراحی و عملیات آن مشارکت مستقیمی وجود داشته باشند. منطق این است که مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا به افراد احساس مالکیت در پروژه و سهم بسیار واقعی در کسب موفقیت می‌بخشد (World Bank, 1996). با این حال اعمال این اصل آسان نیست. از یک سو، این گونه ممکن است مطلوب باشد که مردم داخل کشور^۲ از این طریق توانمند شوند. از سوی دیگر، سازمان‌ها باید عملیات خود را در سراسر جهان زیر نظر و کنترل داشته باشند.

مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی به چیزی بیش از مشارکت در یک نهاد نیاز دارد. این امر مستلزم آن است که اعضا به تصمیم‌گیری و قدرت دسترسی داشته باشند تا سهم معناداری در پیشبرد امور داشته باشند. این همان معنایی است که اصطلاح مالکیت^۳ یا ارجاع به مالکیت سیاست‌های خاص دارد.

یافتن فرصت برای به زبان آوردن سخن یا مشارکت عمومی به شیوه‌های مختلف برای قانونمندی ضروری است. برای این که گفتمان معنادار باشد، باید با چنان دقتی ساختار بندی شود که به منافع تمام افرادی که به موجب نتیجه گفتمان تحت تأثیر قرار می‌گیرند، احترام بگذارد. فرصت شنیده شدن (استماع) از نظر هابرماس بسیار مهم است: آن‌هایی که به موجب تصمیم‌گیری دچار ضرر و زبانی می‌شوند، به احتمال زیاد در صورتی که روند را عادلانه بدانند، نتیجه را می‌پذیرند (Gibson, 1989, p 483).

ب: پاسخگویی

راه دوم و به همان اندازه مهم برای متعهد ساختن اعضا به یک نهاد، اطمینان از خطوط یا اشکال مناسب پاسخگویی^۴ است. در معنای محدود کلمه، مسئولیت‌پذیری مستلزم آن است که موسسات اعضای خود را از تصمیمات و همچنین از دلایل اتخاذ تصمیمات آگاه کنند. در عمل، این به معنای داشتن رویه‌هایی است که شفافیت و جریان اطلاعات را تضمین می‌کند. حتی این الزام تعریف شده محدود هنوز در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی برآورده نشده است. با این حال، معنای عمیق‌تر و عمیق‌تری برای

1. Participation
2. Locals
3. Ownership
4. Countability.

پاسخگویی وجود دارد.

نهادها از طرف یا به نفع بازیگران، اعم از دولت‌ها، مناطق یا افراد تصمیم می‌گیرند. پاسخگویی مستلزم شفافیت در مورد این است که چه کسی یا از طرف چه کسی تصمیم می‌گیرد و اجرا می‌کند؟ علاوه بر این، شفافیت در مورد این موضوع است که چه کسی قدرت محدود کردن یا تحریم کار نهاد را دارد. اگر سازمان‌ها صرفاً «توسط قدرتمندترین‌ها، برای قدرتمندترین‌ها» اداره می‌شدند، خطوط مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به راحتی ترسیم می‌شد. دسترسی بازیگران فراملی به نهادهای بین‌المللی، نویدبخش رشد پاسخگویی است. در مدل بین دولتی سنتی، پاسخگویی محصول دولت‌های اصلی در مناصب بین‌المللی بوده که از طریق سازوکارهای نظارتی حاصل می‌شود. این مدل به هیچ وجه برای شهروندان نقشی برای ابراز تمایل و یا نارضایتی از تصمیم‌ها و رفتارهای نهادهای بین‌المللی قائل نیست. باز شدن فضای نهادهای بین‌المللی به روی بازیگران فراملی می‌تواند چاره آن مدل باشد. این مسأله با اعطای نقش به صاحب نفوذان در فرآیند پاسخگویی تکمیل می‌شود (Scholte, 2005, p 11). این امر مستلزم وجود سازوکارهای مکمل پاسخگویی داخلی با سازوکارهای جدید در عرصه پاسخگویی خارجی است.

پاسخگویی به واسطه دخالت بازیگران فراملی ممکن است در چارچوب روش‌های مختلف سازمان یابد. نظریه دموکراسی نیابتی^۵ بر روی «انتخابات» تأکید ویژه‌ای دارد، چرا که آن را به مثابه طرز کار مطلوبی برای شهروندان می‌داند که با انتخاب سیاسی خود می‌توانند تصمیم‌گیرانی پاسخگو را برگزینند. انتقال این مدل به آن سو مرزهای دولت – ملت، از سوی نظریه پردازان دموکراسی جهان وطنی^۶ مطرح می‌شود که طرفدار استقرار مجامع قانون‌گذاری در سطح منطقه‌ای و جهانی هستند (Held, 1995, p 2005). انتخاب مستقیم نمایندگان پارلمان اروپا با قدرت برابری که دولت‌های اتحادیه اروپا در عرصه‌های مختلف دارند نمونه بارزی از سازوکارهای پاسخگویی فراملی است. همچنین برخی دیگر از نهادهای بین‌المللی مانند: شورای اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا، ناتو، مجامع پارلمانی و غیره که البته به صورت غیر مستقیم انتخاب می‌شوند،

5. By the most powerful, for themost powerful,”

۶ دموکراسی نیابتی یا مردم‌سالاری نیابتی (Representative democracy) نوعی از دموکراسی است که در برابر دموکراسی مستقیم قرار می‌گیرد. تقریباً تمامی نظام‌های سیاسی دموکراتیک مدرن، شکل‌هایی از دموکراسی نمایندگی هستند. این مکتب از این اصل ریشه گرفته که منتخبان مردم می‌توانند نمایندگان آن‌ها باشند ۷. دموکراسی به عنوان یکی از موفق‌ترین تجارب بشری از عمده ایده‌های مطرح در زمینه حکمرانی خوب محسوب می‌شود. در تاریخ پر فراز و نشیب دموکراسی به عنوان یکی از محوری‌ترین مصادیق حکمرانی خوب، الگوهای مختلفی ارائه شده است.

از دیگر نمونه‌های ثابت در سازوکار پاسخگویی فراملی محسوب می‌شوند. فراتر از سازوکار انتخاباتی، بازیگران فراملی ممکن است با پاسخگویی نهادهای بین‌المللی از طریق جبران حقوقی و نظارت بر تعهدات کمک کنند. در طول دو دهه گذشته، هر دو سازوکار اشاره شده به طور چشمگیری مورد توجه و اهمیت قرار گرفته‌اند. دسترسی گروه‌های خصوصی به دادگاه‌های مهم بین‌المللی افزایش یافته و این موضوع به یک ویژگی تعیین کننده نسل جدید دادگاه‌های بین‌المللی از اوایل دهه ۱۹۹۰ تبدیل شده است (Alter, 2006, p 92). در این مدت کنش‌گران جامعه مدنی نظارت بر تعهدات و سیاست‌های موجود را نهادینه کرده‌اند؛ و برای مثال ارائه گزارش مستقل (از سوی سازمان‌های بین‌المللی) گواه بر این مدعا است (Raustiala, 1997 and Scholte, 2005).

اما راهبرد افزایش پاسخگویی نهادهای بین‌المللی از طریق مداخله بازیگران فراملی، با مجموعه‌ای از مشکلات بالقوه همراه بوده است. پیشنهاد ایجاد پارلمان‌های منطقه‌ای و جهانی با دید شک و تردید همراه شد که ریشه در موضوعات نظری و نیز عملیاتی شدن آن‌ها داشته است، حتی علاقه‌مندان به دخالت جامعه مدنی بر این باورند که: قانون‌گذاران جهانی پاسخ به این کمبود دموکراتیک نیست، هر چند یکی دو تجربه از چارچوب حکمرانی منطقه‌ای در این زمینه به دست آمده است؛ اما این مدل برای تعمیم به سایر نهادهای بین‌المللی عملی نیست (Jan Scholte, 2002, p 291). نه تنها زیرساخت‌های انتخابات در اغلب جوامع وجود ندارد و تصور آن در یک سطح جهانی دشوار است، علاوه بر این، مقاومت سیاسی گسترده‌ای در سطح فراملیتی (در قبال این مدل) رخ می‌دهد که وقوع این حالت مستلزم توسعه (پایدار در مناطق مختلف) است. به علاوه، اگر مشکلات عملی و سیاسی این راهکار حل شود، پرسش فلسفی این است که «آیا مردم جهان به اندازه کافی این درک را پیدا کرده‌اند که از طریق مجالس قانون‌گذاری جهانی، یک چارچوب نیابتی و پاسخگویی را بپذیرند؟» (Dahl, 1999 and kymlicka, 1999).

حاکمیت خوب مستلزم این است که سیاستگذاران به نفع مردم عمل کنند. به عبارتی «پاسخگو بودن در برابر مردم» اصل اساسی حکمرانی به حساب می‌آید. سازمان بهداشت جهانی می‌تواند به طرق و سازوکارهای وسیع حقوق اداری پاسخگویی را بهبود بخشد. الزام «ابلاغ و اظهار نظر» حکم می‌کند که پیش‌نویس‌های پیشنهادات برای تصمیمات منتشر و در دسترس بررسی قرار گیرد، چرا که این عمل برای فرایندهای تصمیم شفاف

و تصمیمات بهتر مستند تلقی شده و برای افشای لابی‌گری مفید است. بهره‌برداری، اثربخشی و افزایش استفاده از سازوکارهای قوی حقوقی و نظارتی نشان می‌دهد که این یک راه عملی‌تر برای بهبود پاسخگویی نهادهای بین‌المللی است بنابراین، سازوکارهای پاسخگوی منوط به حل مشکلات بالقوه‌ی توزیع نابرابر در راستای مشارکت بازیگر فراملی است. در این حالت، زمان و منابع بسیاری صرف پیگیری پرونده‌های حقوقی در دادگاه‌های بین‌المللی خواهد شد که نیازمند جمع‌آوری اطلاعات مستقل و ارزیابی اثربخشی دولت است. از این رو، تنها نهادهای فراملی که تخصص و توان لازم را دارا باشند می‌توانند در فعالیت‌های پاسخگویی درگیر شوند. از این رو، خوش‌بینانه است که بازیگران فراملی بتوانند نقش محوری در شکل‌دهی پاسخگویی قانونی نهادهای بین‌المللی بازی کنند. از این رو، باید با آگاهی‌بخشی مناسب در خصوص توزیع نابرابر (منابع) پیش‌نیازهای مشارکت نهادهای بین‌المللی را فراهم کرد.

در مجموع، برهان خوش‌بینانه‌ای در مود توان بالقوه دموکراتیزه کردن بازیگران فراملی با آگاهی از چالش‌ها در شرایط وجود مشارکت و پاسخگویی وجود دارد.

سازمان‌های غیردولتی پاسخگویی سازمان‌های چندجانبه را با چالش مواجه می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی استدلال می‌کنند که دولت‌ها صرفاً وسیله‌ای برای نیابتی مردم هستند و در واقع نهادها در برابر مردم پاسخگو هستند. از این رو، سازمان‌های غیردولتی مدعی حق نیابتی مردم و موضوعاتی هستند که دولت‌ها از آن‌ها غفلت می‌کنند و سازمان‌های بین‌المللی را در قبال حوزه‌ها و مسائل غیردولتی پاسخگو می‌دانند. در اینجا، بدون شک، برخی از سازمان‌های غیردولتی کارهای بسیار خوبی انجام داده‌اند، و افراد به حاشیه رانده شده را توانمند می‌کنند، مشارکت را ترویج می‌کنند و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را مجبور می‌کنند تا در برابر برخی از گروه‌هایی که قدرت کمتری دارند، بیشتر پاسخگو باشند. با این حال، مسائل جدی در مورد حکمرانی خوب و پاسخگویی وجود دارد که توسط سازمان‌های غیردولتی مطرح و ادعا می‌شود.

در چارچوب حکمرانی خوب، خود سازمان‌های غیردولتی باید تابع استانداردهای پاسخگویی و حکمرانی خوب باشند. برای مثال، پاسخگویی اغلب به این معناست که سازمان‌های غیردولتی شاغل در کشورهای در حال توسعه در برابر خیرین^۲ در کشورهای صنعتی پاسخگو باشند. با این حال، حکومت داری خوب مطمئناً مستلزم آن است که این سازمان‌های

غیردولتی در برابر کسانی که بیشتر از کارشان متضرر شده‌اند و به طریق آن‌ها ادعاهای خود را مطرح می‌کنند، پاسخگو باشند. در غیر این صورت، سازمان‌های غیردولتی ممکن است خود متهم شوند که در همان ساختارهای سلسله مراتبی حاکمیتی قرار گرفته‌اند که نهادهایی قرار دارند که آن‌ها را به عدم پاسخگویی متهم می‌کنند.

مشکل دیگری که از مشارکت سازمان‌های غیردولتی ناشی می‌شود این است که آن‌ها در حوزه‌های خاص و در رابطه با موضوعات خاص عمل می‌کنند. این امر به عنوان راه حل دوم قابل قبول است، بسا که سازمان‌های غیردولتی صدای افراد به حاشیه رانده شده و ناتوانی هستند که دولتی نسبت به آن‌ها روا داشته است. از این نظر جایگزین روش ناقصی می‌شود که در آن دولت‌ها مردمان خود را نیابتی می‌کنند. با این حال، حتی اگر آن‌ها در قبال حوزه‌های انتخابی خاص خود پاسخگو باشند، نمی‌توان آنان را از کسانی که درگیر درخواست‌های ویژه و رانت‌جویی برای گروه‌های قدرتمند هستند، متمایز کرد. از این رو، سازمان‌های غیردولتی غیرقانونی به جای تضمین حکمرانی خوب، در معرض مخدوش کردن مسئولیت‌پذیری سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند و مسئولیت خود را از اصول حکمرانی خوب دور می‌کنند و به سمت مجموعه‌ای از گروه‌ها یا موضوعات انتخاب شده نابرابر می‌روند (Woods, 1999, p44).

ج: انصاف^۱

سومین اصل حکمرانی خوب، انصاف است که دو جنبه دارد: رویه‌ای و ماهوی^۲. انصاف رویه‌ای مفهومی قانونی و مستلزم آن است که قوانین و استانداردها به شیوه‌ای بی طرفانه و قابل پیش بینی ایجاد و اجرا شوند. به عبارت دیگر، انصاف رویه‌ای مستلزم فرآیندهای نیابتی، تصمیم‌گیری و اجرا در یک کشور است. انصاف در همه زمانها، یک قطب قوی در بین دکتربین بوده، و ارزش آن دائما رو به افزایش است (Picode, 1978, p92). عده‌ای هدف انصاف را انسانی نمودن عدالت حقوقی، تکمیل و مدرن نمودن حقوق دانسته‌اند (Marty and Raynaud, 1972, p127). عده ای هم نقش انصاف را تضمین عدالت دانسته و آن را یک ایده اخلاقی قلمداد کرده‌اند (انصاری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

یک سازمان باید شفاف و سازگار باشد. همه اعضا باید قادر به درک و پیش‌بینی فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای آن باشند. چنین الزاماتی، شفافیت و پاسخگویی را که در بالا مورد بحث قرار گرفت، تقویت می‌کند. با این حال، همان‌طور که در زیر مشاهده خواهد شد، در سازمان‌های

1. Fairness
2. Procedural and Substantive.

بین‌المللی موجود، انصاف رویه‌ای اغلب با رویه‌هایی که در جلسات غیررسمی اتخاذ می‌شوند، دور زده می‌شود.

الزام سختگیرانه‌تر برای انصاف، انصاف اساسی است. در اینجا، انصاف هم به عادلانه بودن خروجی یک سازمان و هم به برابری عمومی و توزیع قدرت، نفوذ و منابع در یک سازمان اشاره دارد. اگرچه در طول دهه ۱۹۷۰، بحث‌ها در مورد ساختار سازمان‌های بین‌المللی به شدت بر استدلال‌های مربوط به انصاف و برابری متمرکز بود، در دهه ۱۹۹۰، بسیاری از جنبه‌های انصاف اساسی فراتر از محدوده حکمرانی خوب پیش رفت. با این حال، برخی از عناصر انصاف در واقع در اصول مشارکت و پاسخگویی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، مستتر هستند. یعنی به دلایل اثربخشی و دموکراسی، برابری رفتار، مشارکت گسترده‌تر و دسترسی بیشتر به تصمیم‌گیری در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی قرار دارد.

در سازمان تجارت جهانی، مولفه اصلی مشروعیت حکمرانی، مفهوم جامع ایجاد تعادل (Balancing) و منصفانه بودن است. منصفانه بودن مستلزم هم عنصر تشریفاتی است که به مسائل فرایند در خور و فرصت استماع می‌پردازد و هم نیازمند عنصر ماهیتی است که به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا بار مسئولیت و مزایای حکمرانی به طرقی توزیع می‌گردد که ضابطه‌های برابری توافق شده را بر آورد کند. در دل مسئله‌ی انصاف ماهیتی، حیطه‌ی وسیعی از اختلاف عادی نهفته است. همان گونه که حکمرانی به سمت قلمروی فراملی و اختلاف ارزش‌ها حرکت می‌کند، زمینه‌ی غیرمنصفانه عمل کردن رشد می‌کند.

هیچ ساختار حقوق اداری انصاف ماهیتی را تضمین نمی‌کند. اما اصولی که به طرفین فرصت استماع می‌دهد و تامل دقیق را فراهم می‌نماید، احتمالاً پیامدهایی خواهد داشت که منصفانه خواهد بود. سازمان تجارت جهانی با ساختارهای مدیریتی در حال توسعه فاصله دارد. یکی از دغدغه‌های خاص، مشارکت کشورهای در حال توسعه است. در حالی که دور مذاکرات دوحه با تاکید بر نیازهای جهان در حال توسعه آغاز شد، تردیدی نیست که پیامدهای دوره‌های گذشته ی مذاکرات همواره نیازهای کشورهای در حال توسعه را در اولویت قرار نداده است (Striglitz, 2000, p 437). ضمن این که سیاست‌گذاری مبتنی بر اتفاق آرای سازمان تجارت جهانی مزایای خاصی دارد، وزنه‌ی خاصی به سمت کشورهای خیلی قوی سنگینی می‌کند (Narlikar, 2006, p 1005).

ت: شفافیت^۱

شفاف سازی مولفه‌ی مهم حکمرانی خوب است. دیدن عمل تصمیم گیرنده و مشاهده این که چه کسی بر فرایند تصمیم تأثیر گذاشته است بر مفاهیم انصاف، عقلانیت، بی طرفی و شناخت عمومی از نتایج تصمیم ضروری است. شفاف سازی به ویژه در بافت بین المللی اهمیت خاصی دارد، جایی که روابط اعتماد به طور عمیق ایجاد نمی شود. شفافیت همچنین نتایج ضعیفی را به نمایش گذاشته و از رفتار رانتی و سایر رفتارهای خود خدمتی جلوگیری می کند. برخی از دانشمندان تجاری بحث می کنند که پنهان کاری بر توانایی دولت ها نسبت به غلبه بر منافع محافظه کارانه و تحقق توافق نامه های آزادی تجارت مهم می نماید. اما منطقی رو به رواج است که هر چقدر فرایندها بیشتر در پشت در بسته انجام پذیرد، منافع خاصی دستکاری می شود. سازمان تجارت جهانی گام های مهمی به سمت شفاف سازی بهتر برداشته، اما با بی پردگی تمام و کمال به تبعیت از حکمرانی خوب فاصله دارد. در این خصوص، این واقعیت که تصمیمات راجع به حل و فصل اختلافات در زمان حال منتشر می شود، یک پیشرفت است. اما فرایند حل و فصل اختلاف باید به طور کامل در معرض عام باشد. همچنین جلسات ماهانه شورای عمومی باید برای مردم و رسانه ها علنی باشد (Esty, 2008).

ث: اثر بخشی^۲

مشروعیت مبتنی بر تخصص بر این اصل بناست که آیا نتایج اعمال یک ارگان حاکم، در جهت افزایش رفاه اجتماعی است. سازمان تجارت جهانی در این خصوص از سوابق موفق بر خوردار است. اما در سالهای اخیر شهرت این سازمان در به اصطلاح «انجام درست» کار با لغزش مواجه بوده است. با تقویت تحلیل از دیدگاههای مختلف، ارزیابی دقیق و توجیه فرضیه های اصلی، تأمل عمیق در باب موضوعات مختلف و ارزیابی مستمر انتخابهای گذشته، اتخاذ رویکردهای بهتر اداری می تواند شانس موفقیت در تصمیم گیری را در آینده بالا ببرد. در پشتیبانی از اثربخشی زیاد سازمان تجارت جهانی، سازوکارهای مختلف حقوق اداری وجود دارد که عبرتند از: تعارض قوانین منافع در کاهش مشکلات «نیابتی»، سازوکارهای دخیل دادن قضاوت های متخصصین و رقابت در داده ها و تحلیل ها، بسط مشارکت عمومی، استفاده بیشتر از بازرسی ها و ممیزی ها و تقسیم قدرت به منظور عمیق سازی گفت و گو ها و به حداکثر رساندن فرصتهای تشخیص اشتباهات (Easy, 2008, p 1544).

ز: سودمند بودن^۳

تحلیل نظام مند و مباحث سیاسی همواره مستلزم هزینه های معاملاتی است. اما کاهش این هزینه ها و سایر هزینه های تصمیم گیری در حاکمیت خوب بسیار مهم است (Young, 1997, p 273). تصمیم گیری ها باید از لحاظ هزینه و زمانی به صرفه باشد. به طور خلاصه، هزینه های معاملاتی دخیل در حکمرانی باید به حدی پایین باشد که تلاش برای تحقق اقدام جمعی را در واکنش به مشکلات تقسیم شده، توجیه کند.

تناوب شرایط اقتصادی، رقابت در تصمیم گیری، ارزش ها و منافع اغلب در بافت ملی عالی است و حتی در قلمروی بین المللی عالی تر. اما موفقیت نسبت سازمان تجارت جهانی نشان می دهد که سیاست گذاری فراملی می تواند موفقیت آمیز انجام پذیرد (Lindseth, 2003, p 363).

نیاز به سودمندی بیشتر در نظام تجاری از زمان مذاکرات دور اروگوئه مهم واقع شد و پیشرفتهایی صورت گرفت. در بسیاری از رویکردها محدودیت زمانی تحمیل شد. بر خلاف دوره گات، سازمان تجارت جهانی مفادی را در اسناد خود گنجانده که تضمین این موضوع است که آرای حل و فصل اختلافات به راحتی نمی توانند دفن شوند، بلکه برای افزایش سودمندی سازمان تجارت جهانی می توان اقدامات بیشتری صورت داد؛ از اعمال محدودیت زمانی سفت و سخت تر تا شفاف سازی بیشتر برای کاهش ابهامات و نشان دادن عملکرد. البته، سودمندی غالب سایر مولفه های حکمرانی خوب مانند تمایل به تأمل قوی و تقسیم قدرت در تنش خواهد بود.

بنابراین سازمان تجارت جهانی باید اطمینان دهد که مقررات و رویکردهای آن نتایج سودمندی به بار می آورند و متعادل سازی این نتایج با سایر مولفه های حکمرانی خوب مستلزم توجه دقیق و تا میزانی تجربه گرایی و اصلاح است.

ز: بی طرفی^۴

تصمیم گیرندگان برای مشروعیت بخشیدن به تصمیمات خود باید به نفع عموم و به دور از هر گونه تبعیض و فساد عمل کنند و از دنبال کردن منافع خاص به نفع قدرت یا شخصی خودداری کنند و به نوعی بی طرف باشند. سازمان تجارت جهانی برای رفع این دغدغه مقررات مختلفی دارد. اما تعارض منافع و برخی مقررات آن از توسعه لازم برخوردار نیست. این سازمان را مقرر برای تأمین منافع خاص دانسته اند (Marschner, 2001, p 159). برای مثال بسیاری از ناظرین بر این باورند که توافق نامه «جنبه های تجاری

3. Efficiency
4. Neutrality

1. Transparency
2. Efficacy

مالکیت فکری»، منافع دارویی برخی شرکتهای دارویی را بر اثر نفوذ ناروای آن‌ها تسهیل می‌کند (Thomas, 2002, p 251).

رویکرد جایگزین نسبت به بی طرف قراردادن تصمیم‌گیران در معرض مباحث سیاسی در خصوص تمام جنبه‌های موضوع است. مشارکت عمومی وسیع و مباحث آزاد در فرایندهای تصمیم‌مورد تاکید است.

س: عقلانیت^۱

در دل تاکید وبر بر سیاست‌گذاری عقلانی-حقوقی این شهود نهفته است که حکمرانی ایجاد شده با توجه دقیق به واقعیت‌های مربوط و تحلیل خوب به احتمال زیاد به مرور زمان جایگاه بهتری می‌یابد. به طور خلاصه، مدل تکنوکراتی وبری وابسته به گرد هم آوردن دانش، اطلاعات و تخصص است که این امر کارایی و موثر بودن را ارتقا می‌دهد، الزام بر این که تصمیم‌گیرندگان دلایلی برای انتخاب خط مشی اتخاذی ارائه دهند.

در پیروی از مشروعیت نئووبری^۲ و ارتقاء رفاه اجتماعی، رویکردهای اداری سازمان تجارت جهانی باید ملزم به ایجاد دقیق ثبت اداری با مستندسازی کامل موضوعات مهم، یافته‌های واقعی، فرضیات ایجاد شده و تحلیل‌های لازم باشد (Esty, 2008, p 169). تاکید بیشتر بر توسعه‌ی انتخاب خط مشی، بررسی درخواست منافع خاص و الزام بر این که تصمیمات باید مبتنی بر قانون باشد، موجب بهبود تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی می‌شود. توضیح کتبی تصمیمات به خصوص در حل‌وفصل اختلافات، مقامات را مجبور می‌کند که تصمیم‌گیری خود را توجیه کنند. این نظم ساده موجب ارتقای شناخت عمومی، حمایت از اجرای موفق آمیز تصمیمات، افزایش شفاف‌سازی و کاهش هزینه‌ها با افزایش پیش بینی می‌شود. تلاشها برای بسط شناخت نظام تجاری روش مفیدی برای رسیدن به اجماع پیرامون انتخاب خط مشی (تصمیم‌گیری) و تلقین ارزشهای مشترک به مرور زمان است (Steffek, p 251).

۹- نتیجه‌گیری

اقدامات سازمان‌ها پیامدهای بزرگی دارد. آن‌ها مسئول تلاش‌های بین‌المللی بازسازی در کشورهای جنگ زده هستند. آن‌ها دستور می‌دهند دولت به طور عمده تجدید ساختار کشورهایی را که از نظر اقتصادی در تنگنا قرار دارند، بازسازی کند. آن‌ها وام‌هایی را به کشورهای پرداخت می‌کنند که قادر به اداره آن‌ها نیستند و ممکن است هرگز نتوانند آن را بازپرداخت

1. Rationality
2. Neo-Weberian

کنند. آن‌ها پناهندگان و سایر افراد استثنایی آسیب پذیر را حمایت می‌کنند. آن‌ها در خط مقدم توسعه بین‌المللی و سیاست سلامت قرار دارند. آن‌ها مقررات بین‌المللی تجارت، مخابرات و مالکیت معنوی را مدیریت می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی همچنین به‌عنوان پوششی برای فعالیت‌های اعضای خود استفاده می‌شوند که ممکن است بخواهند خود را از مسئولیت یک هدف سیاست خارجی کنار بگذارند و در نتیجه از این نهادها به عنوان رسانه‌ای برای پنهان کردن مقاصد خود استفاده کنند. با این حال، از آنجایی که سازمان‌های بین‌المللی دارای خطوط نسبتاً ضعیفی در مسئولیت‌پذیری سیاسی هستند، برای استانداردهای جهانی حکمرانی ضروری است که نسبت به اعمال خود در چارچوب قانونی پاسخگو باشند.

امروزه نهادهای بین‌المللی بر بسیاری از حوزه‌های سیاستی که زمانی در حوزه حاکمیت دولت به حساب می‌آمدند، نفوذ می‌کنند. به عنوان مثال، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، هر کدام در مشاوره و نظارت بر سیاست‌ها و ترتیبات اقتصادی در داخل کشورها مشارکت دارند. در واقع، خود این نهادها حکمرانی خوب را در دستور کار قرار داده‌اند، زیرا متوجه شده‌اند که برنامه‌هایشان تا چه حد باید حداقل توسط دولت‌ها، بلکه توسط طیف وسیع‌تری از بازیگران در داخل دولت‌ها مشروع شناخته شود. به همین ترتیب، تقریباً همه نهادهای بین‌المللی پذیرفته‌اند که یک نظام نیابتی صرفاً دولت‌محور در سیاست جهانی ناقص است، و از این رو بسیاری از آن‌ها زمینه را برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی باز کرده‌اند. استدلال این مقاله این است که دستور کار حکمرانی خوب مستلزم آن است که سازمان‌ها در نحوه سازمان‌دهی روابط بین اعضای دولت خود تجدید نظر کنند.

سازمان تجارت جهانی در مقام بخش مهمی از نظام حکمرانی جهانی، نقش مهمی در کمک به گردآوری هم آوردن کشورها برای تحقق اقدام جمعی در قلمروی بین‌المللی اقتصادی ایفا می‌کند. به منظور اعتمادسازی در نظام تجاری، ساختار فرایندهای تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی نیاز به بهسازی جهت ارقای حکمرانی خوب و دقت زیاد تشریفاتی دارد.

سازمان تجارت جهانی در خصوص عناصر مختلف حکمرانی خوب تا حدودی سابقه‌ی نامساعدی دارد، اما جایگاه استوار آن می‌تواند بر مبنای آن، ساختار حقوقی ایجاد کند که مشروعیت یا قانونمندی آن را افزایش دهد و عملکرد آن را در مدیریت همبسته اقتصاد بین‌المللی بهبود بخشد.

از این رو، یک سیستم تجارت بین‌المللی با عملکرد بهتر می‌تواند برای اکثر کشورها، اگر نه برای همه کشورها، سودمند باشد. سازمان تجارت جهانی به عنوان بخش مرکزی رژیم حاکمیت جهانی، نقشی حیاتی در کمک

101.

- [13] Dahl Robert A. (1967). A preface to democratic Theory, Chicago, university of Chicago press.
- [14] David P. Rapkin , Jonathan R. Strand , and Michael W. Trevathan. (2016). Representation and Governance in International Organizations, Politics and Governance (ISSN: 2183-2463) 2016, Volume 4, Issue 3, Pages 77-89
- [15] Duverger, M. (1972). the study of politics, London: nelson, p68.
- [16] Lombardi, D. (2009). Report on the civil society (fourth pillar) consultations with the International Monetary Fund on reform of IMF governance. Washington, DC: New Rules for Global Finance.
- [17] Martinez-Diaz, L. (2009). Boards of directors in international organizations: A framework for understanding the dilemmas of institutional design. Review of International Organizations, 4(4), 383-406.
- [18] Rapkin, D. P., and Strand, J. R. (2005). Developing country representation and governance of the International Monetary Fund. World Development, 33(12), 1993- 2011.
- [19] Woods, Ngaire. (1999). Good governance in international organizations, Global governance : a review of multilateralism and international organizations 5(1) 1999 : 39-61.
- [20] Scholte, Jan Aart. (2002). civil society and democracy in global Governance 8:281-304.
- [21] Woods, N. (2000). The challenge of good governance for the IMF and the World Bank themselves. World Development, 28(5), 823-841.
- [22] Woods, N., & Lombardi, D. (2006). Uneven patterns of governance: How developing countries are represented in the IMF. Review of International Political Economy, 13(3), 480-515.
- [23] Selznick. (1975). pleadership in administration, new York, Harper&Row, p8.
- [24] World Bank. (1996). The World Bank Participation Source Book (Washington, D.C.: World Bank)
- [25] Robert Piciotto and Rachel Weaving, "A New Project

به گردهم آوردن کشورها برای دستیابی به اقدام جمعی در عرصه اقتصادی بین‌المللی ایفا می‌کند. برای ایجاد اعتماد عمومی در سیستم تجاری، ساختار فرآیندهای تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی باید اصلاح شود تا حکمرانی خوب و درجه بیشتری از سختگیری رویه‌ای ایجاد شود. سازمان تجارت جهانی سابقه تا حدودی نابرابر با توجه به عناصر برشمرده حکمرانی خوب دارد، اما پایه محکمی برای ایجاد ساختاری از قوانین اداری است که مشروعیت آن را افزایش می‌دهد و عملکرد آن را در مدیریت وابستگی متقابل اقتصادی بین‌المللی بهبود می‌بخشد.

منابع

- [۱] انصاری، علی. (۱۳۹۱). تئوری حسن نیت در قراردادهای، انتشارات جنگل.
- [۲] موسی‌زاده، رضا؛ سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ سوم.
- [۳] آقایی، داوود. (۱۳۸۲). سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نسل نیکان، چاپ اول.
- [۴] بیگزاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: دانشگاه شهیدبهبشتی.
- [۵] مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت.
- [۶] زمانی، قاسم. (۱۳۸۸). حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسوولیت، مصونیت، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- [۷] ساعد، نادر. (۱۳۸۹). حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
- [۸] ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- [۹] فلاح اسدی، مهرداد. (۱۳۹۱). سازمان‌های بین‌المللی: مزایا و مصونیت‌ها، انتشارات جنگل جاودانه.
- [۱۰] آگوست رینیش. (۱۳۸۹). مصونیت سازمان‌های بین‌المللی و صلاحیت دیوانهای اداری آن‌ها، مترجم علی آقا حسینی، وبلاگ دانشگاه علامه طباطبائی.
- [11] Alter, Karen j. (2006), private litigants and the New International Courts, Comparative Political Studies 39.
- [12] Charles Barnor, Deborah Adu-Twumwaah, Prince Henry Osei. (2015). The Role and Functions of the International Trade Organization (ITO) and the World Trade Organization (WTO): The Major Differences and Similarities, International Journal of Sciences: Basic and Applied Research (IJSBAR). Volume 24, No 6, pp 92-

International Law 87: 552-588.

- [31] Benjamin Rivlin. (1996). "UN Reform from the Standpoint of the United States UN University Lectures, no. 11 (Tokyo: United Nations University Press).
- [32] Gene M. Lyons. (1995) "Competing Visions: Proposals for UN Reform," in Chadwick F. Alger, Gene M. Lyons, and John Trent, eds., The United Nations System: The Policies of Member States (Tokyo: United Nations University Press).

منابع فرانسه

- [33] Marty and Renaud. (1972). droit Civil, T12, Ed Paris, N127
- [34] Picode, Yves. (1987). Le Devoir de loyauté dans l'exécution de Contrat, these, paris.

Cycle for the World Bank?" Finance and Development 3, no. 4 (December 1994): 42-44.

- [26] See the discussion in UNDP, Human Development Report, in note 23. Decision-Making," Cornell International Law Journal 27 (1994): 699-754; Thomas Weiss and Leon Gordenker, NGOs, the United Nations and Global Governance Boulder: Lynne Rienner, 1996.
- [27] David Hulme and Michael Edwards, NGOs, States and Donors: Too Close for Comfort? (London: Macmillan, 1997).
- [28] Independent (Brandt) Commission, North-South: A Programme for Survival (London: Pan Books, 1989).
- [29] Michael Wood. (1996). "Security Council: Procedural Developments," International and Comparative Law Quarterly 45: 150-161.
- [30] David Caron. (1993). "The Legitimacy of the Collective Authority of the Security Council," American Journal of